DOI: 10.22122/rbs.v17i4.2671

نقش میانجی‌گری تمایزیافتگی خود در رابطه بین سبک‌های دلبستگی با تعهد زناشویی

آتنا احسان نیا رمی[۱]، حسن حیدری[۲]، مهدی زارع بهرام‌آبادی[۳]، حسین داوودی[۴]

مقاله پژوهشی

چکیده

زمینه و هدف: شناخت و بررسی عوامل مؤثر بر قوام و استحکام ازدواج‌ها و نهاد اجتماعی خانواده می‌تواند گامی مفید در راستای ارتقای سطح فرهنگ جامعه باشد؛ بنابراین هدف مطالعه حاضر بررسی مدل تعهد زناشویی بر اساس سبک‌های دلبستگی با میانجی‌گری تمایزیافتگی خود بود.

مواد و روش‌ها: در یک پژوهش توصیفی از نوع همبستگی، از بین دانشجویان متأهل دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران در سال ۱۳۹۶، با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس تعداد ۴۰۰ نفر (۲۰۰ زن و ۲۰۰ مرد) انتخاب شدند. شرکت‌کنندگان به پرسشنامه‌های سبک‌های دلبستگی بزرگسالان، تمایزیافتگی خود و تعهد زناشویی پاسخ دادند. داده‌ها با استفاده از تحلیل رگرسیون چندگانه در دو مرحله در مسیرهای a و b و مسیر c انجام گرفت.

یافته‌ها: نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داد سبک‌های دلبستگی ایمن و اضطرابی به طور معناداری واریانس متغیر تمایز یافتگی را تبیین می‌کنند. همچنین سبک‌های دلبستگی ایمن و اضطرابی به طور معناداری واریانس متغیر تعهد زناشویی را تبیین می‌کنند. در نهایت نیز، تمایز یافتگی به طور معناداری واریانس متغیر تعهد زناشویی را تبیین می‌نماید. این نتایج نشان دهنده نقش میانجیگرانه تمایز یافتگی در رابطه بین سبک‌های دلبستگی ایمن و اضطرابی با تعهد زناشویی است.

نتیجه‌گیری: ازآنجایی‌که ازدواج و روابط زناشویی یکی از تصمیم‌های مهم زندگی در بزرگسالی محسوب می‌شوند می‌توان با تمرکز بر سبک‌های دلبستگی در بزرگسالان و آموزش‌های پیش از ازدواج بر تعهد زناشویی و تداوم روابط بین زوج‌ها افزود.

واژه‌های کلیدی: سبک دلبستگی، تمایزیافتگی خود، تعهد زناشویی.

ارجاع: احسان نیا رمی آتنا، حیدری حسن، زارع بهرام آبادی مهدی، داوودی حسین. **نقش میانجی‌گری تمایزیافتگی خود در رابطه بین سبک‌های دلبستگی با تعهد زناشویی.** مجله تحقیقات علوم رفتاری ۱۳۹۸؛ ۱۷(۴): ۷۱۴-۷۰۵.

۱- دانشجوی دکتری، گروه مشاوره، دانشکده علوم انسانی، واحد خمین، دانشگاه آزاد اسلامی، خمین، ایران.
۲- دانشیار، گروه مشاوره، دانشکده علوم انسانی، واحد خمین، دانشگاه آزاد اسلامی، خمین، ایران.
۳- دانشیار، پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی، سازمان سمت.
۴- استادیار، گروه مشاوره، دانشکده علوم انسانی، واحد خمین، دانشگاه آزاد اسلامی، خمین، ایران.
نویسنده مسئول: حسن حیدری،
Email: heidarihassan@yahoo.com

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-10-05]
[DOR: 20.1001.1.17352029.1398.17.4.15.4]
[DOI: 10.52547/rbs.17.4.705]

مقدمه

بسیاری از روان شناسان و خانواده درمانگران تجربه‌های دوران کودکی و کیفیت روابط بین اعضاء خانواده اصلی را از مهم‌ترین عوامل موفقیت یا عدم موفقیت هر ازدواجی می‌دانند. بانفوذترین این دیدگاه‌ها، نظریه سبک‌های دلبستگی (Attachment styles theory) بالبی و تمایزیافتگی (Differentiation theory) بوئن است (۱، ۲). درواقع، تمایزیافتگی و دلبستگی دو نظریه رشدی هستند که به بررسی تجربه برقراری تعادل بین فردیت و روابط در دوران بزرگسالی می‌پردازند (۳). نظریه‌های دلبستگی و تمایزیافتگی بر روابط اولیه در محیط خانواده تأکید دارند و آن را بر روابط بعدی مؤثر می‌دانند. آن‌ها سبک‌های دلبستگی و تمایزیافتگی را به‌عنوان عوامل پایدار و چند نسلی (Multigenerational transmission process) تلقی کرده و بیان می‌کنند که چگونه خانواده مبدأ شخص می‌تواند بر روابط زناشویی او اثرگذار باشد (۴). پژوهش‌های بسیاری نظریه دلبستگی را برای درک صمیمیت و روابط عاشقانه مورد استفاده قرار داده‌اند (۵). در همین رابطه، ازتکین معتقد است که بر اساس نظریه‌ها و پژوهش‌ها می‌توان گفت که سبک دلبستگی زوج‌ها یکی از عامل شناختی مهم برای تبیین و پیش‌بینی تعهد زناشویی (Marital commitment) است (۶).

افراد دارای سبک دلبستگی ایمن کسانی هستند که نسبت به خود احساس مثبت و نسبت به دیگران درک مثبتی دارند (۷). این افراد تمایل به داشتن نگاه هر چه مثبت‌تر به خود و همسرشان دارند و به‌راحتی می‌توانند هم دلبسته و هم مستقل باشند (۸). آن‌ها کمترین مشکل را در گسترش و نگهداری رابطه دارند، زیرا ضمن ارزش قائل شدن برای نزدیکی با دیگران به آن‌ها وابسته نیستند؛ این ویژگی صمیمی بودن در عین خودمختاری را ممکن می‌سازد (۹). به همین دلیل افراد دارای سبک دلبستگی ایمن رضایت، تعهد و اعتماد بیشتری را در روابط نزدیک خود تجربه می‌کنند (۹)، درحالی‌که افراد دارای سبک دلبستگی ناایمن نزدیکی و تعهد کمتری را در روابط خود نشان می‌دهند (۱۰). پژوهش‌های دیگر نیز نشان داده‌اند که سبک دلبستگی ایمن پیش‌بینی کننده مثبت و سبک‌های دلبستگی اضطرابی و اجتنابی پیش‌بینی کننده منفی سازگاری زناشویی هستند (۱۱). بزرگسالانی دارای سبک دلبستگی اجتنابی معتقدند که نیازی به روابط نزدیک نداشته و تمایل به گریز از صمیمیت دارند (۱۲). بزرگسالان دارای سبک دلبستگی اضطرابی نظر مثبت کمی در مورد خودشان دارند، اغلب نسبت به ارزشمند بودن خود نامطمئن هستند و خودشان را برای عدم پاسخگویی همسرشان سرزنش می‌کنند (۸).

تمایزیافتگی خود مفهوم اصلی و محوری نظریه نظام‌های خانوادگی بوئن است که با پیامدهای جسمانی و روانی مرتبط است (۱۳). خانواده به‌عنوان نخستین پایگاه شکل‌گیری شخصیت، اساسی‌ترین عامل به وجود آورنده تمایزیافتگی یا استقلال عاطفی افراد است (۱۴). بر این اساس، یکی از عوامل مؤثر در تمایزیافتگی افراد پیوند عاطفی با والدین و نوع دلبستگی با آن‌ها است (۱۵). درمجموع، نظریه دلبستگی بالبی و نظریه نظام‌های خانوادگی بوئن چارچوبی را برای درک این مطلب فراهم می‌سازد که چگونه تجربه‌های خانواده اصلی (پدری) بر زندگی بزرگسالی افراد تأثیر می‌گذارد (۱۶). نظریه دلبستگی و نظریه سیستم‌های خانوادگی بوئن شباهت‌های بسیاری دارند (۱۷). همچنین هر دو نظریه ساختارهای بین فردی مهمی را نشان می‌دهند که رابطه قوی با سلامت روان‌شناختی و بیماری‌ها دارند. آنچه انتظار می‌رود این است که این سازه‌های مستقل از هم باهم درآمیزند. دلبستگی سازه‌ای است که از ارتباط با مراقبین نزدیک در دوران شیرخوارگی شکل می‌گیرد و در فرآیند تمایزیافتگی خود که متأثر از سطوح تمایزیافتگی اعضاء خانواده اصلی است، سهیم است (۱۸). بر این اساس یکپارچه بودن این دو نظریه ممکن می‌گردد (۱۹).

پژوهش‌های صورت گرفته رابطه بین تمایزیافتگی خود با دلبستگی ایمن (۲۰، ۲۱)، اضطرابی و اجتنابی (۱۶، ۲۰) را نشان داده‌اند. در همین راستا، کرمی و همکاران در پژوهش خود نشان دادند که افراد دارای سبک دلبستگی ایمن از سطوح بالاتر تمایزیافتگی خود برخوردار هستند. سبک دلبستگی اجتنابی با تمایزیافتگی خود رابطه منفی دارد. همچنین، سبک دلبستگی ایمن و اجتنابی می‌توانند تمایزیافتگی خود را پیش‌بینی کنند (۱۵). بر اساس آنچه گفته شد، مسئله پژوهش حاضر بررسی نقش میانجی تمایزیافتگی خود در رابطه بین سبک‌های دلبستگی با تعهد زناشویی است تا به این سؤال پاسخ داده شود

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-10-05]
[DOR: 20.1001.1.17352029.1398.17.4.15.4]
[DOI: 10.52547/rbs.17.4.705]

که آیا تمایزیافتگی خود رابطه بین سبک‌های دلبستگی و تعهد زناشویی را میانجی‌گری می‌کند؟

مواد و روش‌ها

این پژوهش از لحاظ هدف بنیادی و از لحاظ روش یک پژوهش توصیفی- همبستگی است. جامعه آماری آن را دانشجویان متاهل دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران در سال ۱۳۹۶ تشکیل دادند. از میان جامعه پژوهش ۴۰۰ نفر (۲۰۰ زن و ۲۰۰ مرد) با استفاده از روش نمونه گیری در دسترس انتخاب شدند. شرط ورود به پژوهش، زندگی با همسر به مدت حداقل ۱ سال و زندگی با هم در حال حاضر، عدم ابتلا به بیماری های روان شناختی و داشتن سواد خواندن و نوشتن بود. ملاک های خروج شامل عدم تمایل مراجع به ادامه همکاری و ناقص بودن پرسشنامه ها بود. شرکت‌کنندگان در پژوهش پس از دریافت توضیحات لازم در خصوص نوع پژوهش، معیارهای پژوهش و محرمانه بودن کامل اطلاعات شخصی و نتایج و اعلام رضایت برای شرکت در پژوهش انتخاب و پژوهش بر روی آن‌ها اجرا شد. از مشخصات جمعیت شناختی گروه نمونه می توان به دامنه سنی ۲۰ تا ۴۰ سال، تحصیلات دیپلم تا دکتری و بالاتر، بدون فرزند تا ۴ فرزند و بالاتر، مدت ازدواج بین ۱ تا ۲۰ سال و بالاتر اشاره کرد. روابط میانجی با استفاده از روش بارون و کنی (۲۲) و سه الگوی رگرسیونی با استفاده از روش های آماری ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه سلسله مراتبی بررسی شدند. از آزمون Sobel (۲۳) نیز برای تعیین معنی‌داری مسیرهای غیرمستقیم استفاده گردید. از ابزارهای زیر برای بررسی متغیرهای پژوهش استفاده شد.

مقیاس تجدیدنظر شده سبک‌های دلبستگی بزرگسالان (Revised Adult Attachment Scale): این مقیاس ابتدا در سال ۱۹۹۰ کالینز و رید (۲۴) تهیه شد و در سال ۱۹۹۶ موردبازنگری قرار گرفت. این مقیاس دارای ۱۸ عبارت است که پاسخ‌دهندگان در یک مقیاس لیکرت ۵ در جه ای میزان موافقت یا مخالفت خود با هر یک از عبارت‌ها را بیان می‌کنند. این پرسشنامه دارای سه خرده مقیاس است: وابستگی که میزان اطمینان و تکیه کردن به شرکت‌کننده به دیگران را نشان می‌دهد، نزدیکی که میزان صمیمیت و نزدیکی عاطفی شرکت‌کننده با دیگران را می‌سنجد و اضطراب که میزان نگرانی فرد از طرد شدن را مورد ارزیابی قرار می‌دهد. به هر یک از خرده مقیاس‌ها شش عبارت اختصاص یافته است. ضریب اعتبار بازآزمایی این آزمون برای هر یک از سه زیر مقیاس نزدیکی، وابستگی و اضطراب به ترتیب ۰/۶۸، ۰/۷۱ و ۰/۵۲ گزارش شده است. کالینز و رید نشان دادند که اعتبار بازآزمایی خرده مقیاس‌های نزدیک بودن، وابستگی، اضطراب در فاصله زمانی دو ماه و حتی هشت ماه پایدار ماندند. با توجه به این‌که ضریب آلفای کرونباخ در تمامی موارد مساوی یا بزرگتر از ۰/۸۰ است، میزان اعتبار به‌دست‌آمده بالا است (۲۴). در ایران، حمیدی (۲۵) اعتبار آزمون را با استفاده از روش باز آزمایی برای خرده مقیاس‌های اضطراب، نزدیک بودن و وابستگی به ترتیب ۰/۷۵، ۰/۵۷ و ۰/۲۸ گزارش کرد. همچنین، ضریب آلفای کرونباخ خرده مقیاس‌های اضطراب، نزدیک بودن و وابستگی به ترتیب ۰/۷۴، ۰/۵۲ و ۰/۲۸ بوده است.

پرسشنامه تجدیدنظر شده تمایزیافتگی خود (Differentiation of Self Inventory-Revised): فرم اولیه پرسشنامه توسط اسکورن و فریدلندر (۲۶) تهیه شده است. آزمون نهایی آن ۴۶ سؤال دارد و توسط اسکورن و اشمیت (۲۷) مورد تجدیدنظر قرار گرفته است. این پرسشنامه خود گزارش دهی است و به‌منظور سنجش تمایزیافتگی افراد به کار می‌رود. تمرکز اصلی آن روی ارتباطات مهم زندگی و روابط افراد با خانواده اصلی است (۲۷). پرسشنامه تمایزیافتگی خود در یک طیف لیکرت شش گزینه‌ای از ۱ (اصلاً در مورد من صحیح نیست) تا ۶ (کاملاً در مورد من صحیح است) نمره‌گذاری می‌شود. حداکثر نمره این پرسشنامه برابر با ۲۷۶ است. نمره کمتر نشان‌دهنده سطوح پایین تمایزیافتگی است. روایی محتوایی این مقیاس با روش همسانی درونی ۰/۸۳ گزارش شده است. ضریب اعتبار آن ۰/۸۵ گزارش بوده است (۲۸).

پرسشنامه تعهد زناشویی (Marital Commitment Questionnaire): این پرسشنامه میزان پایبندی افراد به همسر و ازدواجشان و همچنین ابعاد آن را اندازه‌گیری می‌کند. این پرسشنامه توسط آدامز و جونز (۲۹) برای مقاصد پژوهشی تدوین‌شده و سه بعد تعهد زناشویی ازجمله تعهد شخصی، اخلاقی و ساختاری را اندازه‌گیری می‌کند. آن‌ها

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-10-05]
[DOR: 20.1001.1.17352029.1398.17.4.15.4]
[DOI: 10.52547/rbs.17.4.705]

برای مشخص کردن اعتبار و روایی این پرسشنامه آن را در شش پژوهش بر روی ۴۱۷ نفر متأهل، ۳۴۷ نفر مجرد و ۴۶ نفر مطلقه اجرا کردند. میزان اعتبار کل و هر یک از خرده مقیاس‌های تعهد شخصی، اخلاقی و ساختاری را به ترتیب ۰/۸۲، ۰/۹۱، ۰/۸۹ و ۰/۸۶ گزارش شده است (۲۹). روایی محتوایی این آزمون توسط اساتید دانشگاه اصفهان تائید شده است و ضریب آلفای کرونباخ کل پرسشنامه ۰/۸۵ بوده است (۳۰).

یافته‌ها

در جدول ۱ شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش ارائه شده است.

جدول ۱. شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	انحراف معیار
دلبستگی ایمن	۱۸/۶	۲/۸۷
دلبستگی ناایمن اجتنابی	۱۷/۷۵	۳/۱۲
دلبستگی ناایمن اضطرابی	۱۹/۰۶	۴/۸۹
تمایزیافتگی خود	۱۴۲/۸۵	۱۹/۳۱
تعهد زناشویی	۱۳۹/۲۶	۱۷/۳

با توجه به اینکه مبنای تجزیه‌وتحلیل الگوهای علّی، ماتریس همبستگی است. ماتریس همبستگی متغیرهای موردبررسی در جدول زیر نمایش داده شده است.

جدول ۲. ضرایب همبستگی بین متغیرهای پژوهش

متغیر	دلبستگی ایمن	دلبستگی اجتنابی	دلبستگی اضطرابی	تمایزیافتگی خود	تعهد زناشویی
دلبستگی ایمن	۱				
دلبستگی اجتنابی	-۰/۲۵**	۱			
دلبستگی اضطرابی	-۰/۲۲**	۰/۳۴**	۱		
تمایزیافتگی خود	۰/۴۷**	-۰/۴۱**	-۰/۴**	۱	
تعهد زناشویی	۰/۲۳**	۰/۰۵	-۰/۲۲**	۰/۲۷**	۱

**$p<۰/۰۱$

نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد که بین سبک دلبستگی ایمن با تمایزیافتگی خود رابطه مثبت معناداری وجود دارد. بین سبک دلبستگی ایمن با تعهد زناشویی رابطه مثبت معناداری وجود دارد. بین سبک دلبستگی اجتنابی با تمایز یافتگی رابطه منفی معناداری وجود دارد؛ اما بین سبک دلبستگی اجتنابی با تعهد زناشویی رابطه معناداری وجود ندارد. بین سبک دلبستگی اضطرابی با تمایز یافتگی رابطه منفی معناداری وجود دارد. بین سبک دلبستگی اضطرابی با تعهد زناشویی رابطه منفی معناداری وجود دارد. همچنین بین تمایزیافتگی خود و تعهد زناشویی رابطه مثبت معناداری وجود دارد.

به‌منظور بررسی نقش میانجی تمایزیافتگی خود در رابطه بین سبک‌های دلبستگی و تعهد زناشویی از رگرسیون چندگانه استفاده شد. تحلیل‌های مقدماتی صورت گرفت تا اطمینان حاصل شود که هیچ نوع تخطی از مفروضه‌های خطی بودن و همگنی پراکنشی صورت نگرفته است. بررسی داده‌های پرت یک متغیره و چند متغیره نشان داد که در هیچ‌یک از متغیرهای اندازه‌گیری شده داده‌های پرت وجود ندارد. ارزش‌های تحمل به‌دست‌آمده برای متغیرها بالای ۰/۱ بودند که نشان‌دهنده عدم وجود هم خطی چندگانه می‌باشند. مقدار عامل تورم واریانس متغیرها کوچک‌تر از ۱۰ بود و این نشان می‌دهد که بین متغیرها هم خطی چندگانه وجود ندارد. همچنین با توجه به وجود همبستگی بین متغیرها در سه مسیر اصلی که در جدول ۲ گزارش شد، نشان دهنده برقراری تمام پیش‌فرض‌های تحلیل مسیر است. جدول ۳ در ذیل نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه در مسیر a (سبک‌های دلبستگی با تعهد زناشویی) و b (تمایز یافتگی با تعهد زناشویی) را نشان می‌دهد.

همانطور که در جدول ۳ نشان داده شده است، در مسیر a؛ ضریب مسیر دلبستگی ایمن با تعهد زناشویی معنادار است. همچنین ضریب مسیر دلبستگی اضطرابی با تعهد زناشویی معنادار است، اما ضریب مسیر دلبستگی اجتنابی با تعهد زناشویی

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-10-05]
[DOR: 20.1001.1.17352029.1398.17.4.15.4]
[DOI: 10.52547/rbs.17.4.705]

معنادار نیست. در نهایت نیز در مسیر b؛ ضریب مسیر تمایز یافتگی با تعهد زناشویی معنادار است. جدول ۴ نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه در مسیر c (سبک‌های دلبستگی با تمایز یافتگی) را نشان می‌دهد.

جدول ۳. نتایج آزمون رگرسیون چندگانه در مسیر a و b

متغیرها	B	خطای استاندارد	β	t	*p*	Tolerance	VIF
مقدار ثابت	۱۰۰/۳	۱۲/۲۹	–	۸/۱۶	<۰/۰۰۱		
دلبستگی ایمن	۰/۶۹	۰/۳۵	۰/۱۲	۱/۹۹	۰/۰۴۷	۰/۸۲	۱/۲۵
دلبستگی اضطرابی	−۰/۵۴	۰/۲۰	−۰/۱۵	−۲/۷۲	۰/۰۰۷	۰/۸۰	۱/۲۴
دلبستگی اجتنابی	۰/۵۹	۰/۳۱	۰/۱۱	۱/۹	۰/۰۵۹	۰/۷۹	۱/۲۶
تمایز یافتگی	۰/۱۸	۰/۰۵	۰/۲	۳/۲۷	۰/۰۰۱	۰/۶۶	۱/۵۱

جدول ٤. نتایج آزمون رگرسیون چندگانه در مسیر c

متغیرها	B	خطای استاندارد	β	t	*p*	Tolerance	VIF
مقدار ثابت	۱۱۹/۴۵	۷/۶۴	–	۱۵/۶۳	<۰/۰۰۱		
دلبستگی ایمن	۲/۵۱	۰/۳۲	۰/۳۶	۷/۸۴	<۰/۰۰۱	۰/۹۴	۱/۰۶
دلبستگی اضطرابی	−۱/۲۲	۰/۱۸	−۰/۳۱	−۶/۶۹	<۰/۰۰۱	۰/۹۴	۱/۰۶

همانطور که در جدول ۴ نشان داده شده است، در مسیر c؛ ضریب مسیر دلبستگی ایمن با تمایز یافتگی معنادار است. همچنین ضریب مسیر دلبستگی اضطرابی با تمایز یافتگی معنادار است.

با توجه به نتایج جدول ۳ و ۴؛ می‌توان نتیجه گرفت که تمایزیافتگی خود توان تبیین ۲۰ درصد از تغییرات تعهد زناشویی را دارد. همچنین دلبستگی ایمن ۱۲ درصد از تغییرات تعهد زناشویی را به طور معناداری تبیین می‌کند. دلبستگی اضطرابی نیز به طور معکوس ۱۵ درصد تغییرات واریانس متغیر تعهد زناشویی را تبیین می‌کند. از طرفی نیز سبک دلبستگی ایمن به طور معناداری ۳۶ درصد از تغییرات متغیر تمایز یافتگی را تبیین می‌کند و نیز متغیر دلبستگی اضطرابی نیز به طور معکوس ۳۱ درصد از تغییرات واریانس متغیر تمایز یافتگی را به طور معناداری تبیین می‌نماید. با توجه به این یافته‌ها می‌توان گفت بین سبک دلبستگی ایمن و اضطرابی با تعهد زناشویی با توجه به نقش میانجی تمایزیافتگی خود رابطه علّی وجود دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

داده‌های پژوهش حاضر نشان داد که مدل پیش‌بینی تعهد زناشویی بر اساس سبک‌های دلبستگی با میانجی‌گری تمایزیافتگی خود مدل خوبی است و تمایزیافتگی خود رابطه بین سبک‌های دلبستگی ایمن و اضطرابی با تعهد زناشویی را میانجی‌گری می‌کند. این یافته‌ها با نتایج حاصل از پژوهش‌های قبلی (۳۱، ۳۲، ۳۳) مبنی بر نقش میانجی تمایزیافتگی خود در رابطه بین سبک‌های دلبستگی و تعهد زناشویی، همخوان است. از طرف دیگر یافته‌های پژوهش حاضر با یافته‌های پژوهش‌های قبلی (۲۱، ۳۴، ۳۵) مبنی بر رابطه بین سبک‌های دلبستگی و تمایزیافتگی خود با رضایت زناشویی، همسو دانست.

با توجه به تائید نقش میانجی تمایزیافتگی خود در رابطه بین سبک‌های دلبستگی با تعهد زناشویی توجه به این نکته ضروری است که افراد با سبک دلبستگی ناایمن (اجتنابی یا اضطرابی) اغلب از طرد و تنهایی می‌ترسند و به دلیل عدم اعتمادبه‌نفس در پرداختن به موقعیت‌های پراسترس، یک استرس روان‌شناختی برای افراد با دلبستگی ناایمن ایجاد می‌شود درنتیجه آن‌ها احساس حقارت و اضطراب می‌کنند. آن‌ها احساس می‌کنند حقیرتر از دیگران هستند و در مورد آینده انتظارات پایین‌تری دارند. همین مسائل می‌تواند نارضایتی در افراد دلبسته ناایمن را افزایش دهد. افراد با سبک دلبستگی

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-10-05]
[DOR: 20.1001.1.17352029.1398.17.4.15.4]
[DOI: 10.52547/rbs.17.4.705]

ناایمن بر اساس مدل‌های درونی خود بینش منفی نسبت به ازدواج دارند، درنتیجه ارتباط غیرسازنده داشته و سیستم دلبستگی آن‌ها در طی رویدادهای پراسترس زندگی فعال می‌شود؛ بنابراین بر اساس سبک دلبستگی خود رفتارهای خاصی را نشان می‌دهند که یکی از آن‌ها سطح تمایزیافتگی است. آن‌ها به دلیل وابستگی و ترس از تنهایی نمی‌توانند بین فرایندهای ذهنی و احساسات خود و همسرشان تمایز قائل شوند و به دلیل وابستگی افراطی (چه جسمی و چه روانی) واکنش‌های هیجانی را طبق واکنش‌های هیجانی شریک خود نشان می‌دهند. آن‌ها به تأمین نیازهای همسر خود حساس نیستند و انتظار دارند همسرشان نیازهای آن‌ها را تامین کند؛ چون سطح تمایزیافتگی پایین دارند. سبک دلبستگی به‌طور ضمنی با انتظارات از رابطه مرتبط می‌شود که به تعهد زناشویی می‌انجامد (۵). یافته‌های نافتل و شیور (۳۵) نیز نشان می‌دهد که افراد گرایش کمتری برای برقراری ارتباط با زوجی ناایمن دارند، درحالی‌که افراد ناایمن، به‌ویژه اجتنابی‌ها، به زوجی با سبک دلبستگی اجتنابی، کمتر از زوجی اضطرابی گرایش دارند. زنان اضطرابی نیز کمتر به‌سوی مردان اجتنابی گرایش دارند. زنان اضطرابی به مردان ایمن و اضطرابی کشش بیشتری دارند. بررسی‌ها نشان داده‌اند که مردان اجتنابی کشش بیشتری به سمت افراد ایمن و اضطرابی دارند (۳۶)

هرچند بررسی‌ها نشان می‌دهند که افراد با سبک‌های دلبستگی متفاوت نسبت به سبک‌های به‌خصوص گرایش بیشتری دارند، اما این بدان معنا نیست که زندگی زناشویی همسرانی که به لحاظ سبک دلبستگی‌شان گرایش کمتری به یکدیگر دارند، پایداری چندانی نداشته و زندگی‌شان را بدون رضایت از زندگی مشترک ادامه می‌دهند (۳۷). در این موارد متغیرهای تأثیرگذار دیگری دخیل هستند که بر اساس نتایج پژوهش حاضر می‌توان به تمایزیافتگی خود اشاره کرد. تمایزیافتگی خود یا تفکیک خویشتن که مهم‌ترین مفهوم نظریه سیستمی بوئن است، میزان توانایی فرد در تفکیک فرایندهای عقلی از فرایندهای احساسی را نشان می‌دهد. افراد تمایزیافته تعریف مشخصی از خود و عقایدشان دارند. آن‌ها می‌توانند جهت خویش را در زندگی انتخاب کنند و در موقعیت‌های شدیداً عاطفی که در بسیاری از افراد منجر به بروز رفتارهای غیرارادی و گرفتن تصمیمات نافرجام می‌شود، کنترل خود را از دست ندهند و با در نظر گرفتن عقل و منطق تصمیم‌گیری کنند. در مقابل، افراد تمایز نایافته که هویت تعریف‌شده‌ای از خود ندارند و در نقش‌ها و مسائل بین شخصی موجود، همراه با موج عاطفی خانواده حرکت می‌کنند، اضطراب مزمن بالایی را تجربه می‌کنند و مستعد مشکلات روان‌شناختی، بروز نشانه‌های بیماری (۳۸) و رضایت زناشویی کمتر هستند (۳۹).

نظریه دلبستگی و نظریه سیستم‌های خانوادگی بوئن هر دو بر یک موضوع خاص توافق دارند و آن این است که هر دو تأثیر روابط بین فردی و روابط خانوادگی بر سلامت و اختلال را پذیرفته‌اند. هر دو انسان‌ها را به‌عنوان تابعی از روابط خانوادگی می‌بینند و وظایف را بخشی از نظام طبیعی تلقی می‌کنند که توسط نیروهای متقابل آن‌ها را کنار هم نگه می‌دارد. گفته‌شده است که خانواده اصلی و اولیه تأثیر نیرومندی بر روابط فرد می‌گذارد و انسان به روابط معتبر و بامعنی نیازمند است که مفهوم اصلی نظریه دلبستگی و شبیه مفهوم تمایزیافتگی بوئن است (۱۷). بر اساس تعریف ارائه‌شده از تمایزیافتگی خود مشخص می‌گردد که این متغیر با سبک دلبستگی رابطه دارد. درواقع دلبستگی و تمایزیافتگی خود، دو مفهوم مرتبط به هم هستند که مدیریت صمیمت و نزدیکی در روابط مهم را بر عهده دارند (۴۰). تمایزیافتگی خود نشان‌دهنده ظرفیت برقراری تعادل در تعامل بین تجربه‌های هیجانی و منطقی است. همچنین یک حس خودمختاری در روابط صمیمی و اجتماعی را ایجاد و نگهداری می‌کند. درواقع، تنظیم رفتارهای خودمختار، هسته کارکرد تمایزیافتگی خود است. بر این اساس، تمایزیافتگی خود می‌تواند موجب پایداری در تعهد شده و فرد را به پافشاری برای ماندن بر سر تعهد خود قادر سازد (۴۱).

تمایزیافتگی بنیان‌های صمیمیت و پذیرش دوسویه را در ازدواج بررسی می‌کند. انتظار می‌رود زن و مردی که سطح تمایزیافتگی پایینی دارند، در زمان ازدواج، بلوغ هیجانی کمتر و ظرفیتی محدود برای صمیمیت و یکی شدن داشته باشند. در مقابل، در نظام‌های زناشویی تمایزیافته، همسران به یکدیگر اجازه می‌دهند که نقشی انعطاف‌پذیرتر و رابطه‌ای صمیمانه‌تر داشته باشند و تفاوت عقاید یکدیگر را تحمل و واکنش هیجانی

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-10-05]
[DOR: 20.1001.1.17352029.1398.17.4.15.4]
[DOI: 10.52547/rbs.17.4.705]

کمتری را تجربه کنند (۲). دو موقعیت عمده که زوج‌های با تمایزیافتگی خود ضعیف را مشخص می‌سازد عبارت‌اند از: الف- یک حالت آمیختگی که در آن اضطراب تنها ماندن منجر به از بین رفتن مرز بین من و ما می‌شود و ب- یک حالت گسلش عاطفی که در آن از بین رفتن مرزها باعث می‌شود که یکی از زوج‌ها در مورد از دست دادن همسر یا رهاشدگی خود مضطرب شده و درنتیجه اجتناب جسمی یا عاطفی را به کار گیرد و یا رابطه‌ای متعارض را با دیگری ایجاد نماید (۴۲). مشخص‌شده همسرانی که واکنش‌پذیری عاطفی کمتر، گسلش عاطفی کمتر و آمیختگی محدودتری با دیگران دارند و می‌توانند از عقاید خود دفاع کنند، تعهد و رضایت زناشویی بیشتری را تجربه می‌کنند (۴۳). از محدودیت‌های پژوهش حاضر می‌توان به محدود بودن جامعه آماری و گروه نمونه، نمونه‌گیری در دسترس و عدم تفکیک جنسیتی اشاره کرد؛ لذا پیشنهاد می‌گردد در پژوهش‌های آتی موردتوجه قرار گیرند.

تقدیر و تشکر

از همکاری مسئولان دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران و کلیه شرکت‌کنندگانی که ما را در اجرای این پژوهش یاری کردند، کمال تشکر و قدردانی را داریم. مقاله حاضر مستخرج از رساله دکترای نویسنده اول می‌باشد.

References

1. Bowlby J. Attachment and loss. Vol 1. London: Random House; 1997.
2. Bowen M. Family therapy in clinical practice. NY & London: Jason Aronson; 1978.
3. Hardy NR, Fisher AR. Attachment versus differentiation: The contemporary couple therapy debate. Family Process. 2018; 57(2):557-71.
4. Young JE, Klosko JS, Weishaar ME. Schema therapy: A practitioner's guide. New York: Guilford Press; 2003.
5. Gewirtz-Meydan A, Finzi-Dottan R. Sexual satisfaction among couples: The role of attachment orientation and sexual motives. The Journal of Sex Research. 2018; 55(2):178-90.
6. Öztekin C. Attachment styles and close relationship beliefs as predictors of commitment in romantic relationships. PhD Dissertation. Middle East Technical University; 2016.
7. Cann A, Norman MA, Welbourne JL, Calhoun LG. Attachment styles, conflict styles and humour styles: Interrelationships and associations with relationship satisfaction. European Journal of Personality. 2008; 22(2):131-46.
8. Bogaerts S, Daalder AL, Van Der Knaap LM, Kunst MJ, Buschman J. Critical incident, adult attachment style, and posttraumatic stress disorder: A comparison of three groups of security workers. Social Behavior and Personality. 2008; 36(8):1063-72.
9. Bello RS, Brandau-Brown FE, Ragsdale JD. Attachment style, marital satisfaction, commitment, and communal strength effects on relational repair message interpretation among remarrieds. Communication Quarterly. 2008; 56(1):1-6.
10. Bierhoff HW, Grau I. Romantische beziebungen, bindung, liebe, partnerschaft. Bern, Switzerland: Huber; 1999.
11. Hoseini Hoseinabad SF, Ghobari Banab B, Mashayekh M, Sodagar S, Farrokhi N. An investigation of predictive marital adjustment base of attachment styles in married women. Journal of Community Health Research. 2018; 7(3):147-54.
12. Wearden A, Peters I, Berry K, Barrowclough C, Liversidge T. Adult attachment, parenting experiences, and core beliefs about self and others. Personality and Individual Differences. 2008; 44(5):1246-57.
13. Skowron EA, Van Epps JJ, Cipriano-Essel EA, Woehrle PL. Bowen theory and empirical research: A role for BFST in guiding cross-disciplinary, translational research and effective intervention: Current developments and future directions. La teoría familiar sistémica de Bowen: Avances y aplicación terapéutica. 2014;1(1):60-94.
14. Soleimannejad, A. The study effectiveness of psychodrama on increasing individual self-differentiation of original family in female nursing students. Journal of Urmia University of Medical Sciences. 2010: 21(1):42-52. [In Persian].

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-10-05]

[DOR: 20.1001.1.17352029.1398.17.4.15.4]

[DOI: 10.52547/rbs.17.4.705]

15. Karami J, Zakiei A, Alikhani M. Explanation of self-differentiation in accordance with attachment styles and alexithymia. International Journal of Behavioral Sciences. 2014; 8(2):139-48. [In Persian].
16. Skowron EA, Dendy AK. Differentiation of self and attachment in adulthood: Relational correlates of effortful control. Contemporary Family Therapy. 2014; 26(3):337-57.
17. George C, West M. The Adult Attachment Projective: Measuring individual differences in attachment security using projective methodology. Comprehensive handbook of psychological assessment. 2003;2:431-48.
18. Xue Y, Xu ZY, Zaroff C, Chi P, Du H, Ungvari GS, Chiu HF, Yang YP, Xiang YT. Associations of differentiation of self and adult attachment in individuals with anxiety-related disorders. Perspectives in psychiatric care. 2018 Jan;54(1):54-63.
19. Lampis J, Cataudella S. Adult Attachment and Differentiation of Self-Constructs: A Possible Dialogue?. Contemporary Family Therapy. 2019 Sep 1;41(3):227-35.
20. Thorberg FA, Lyvers M. Attachment, fear of intimacy and differentiation of self among clients in substance disorder treatment facilities. Addictive behaviors. 2006 Apr 1;31(4):732-7.
21. Timm TM, Keiley MK. The effects of differentiation of self, adult attachment, and sexual communication on sexual and marital satisfaction: A path analysis. Journal of Sex & Marital Therapy. 2011 Apr 12;37(3):206-23.
22. Baron RM, Kenny DA. The moderator–mediator variable distinction in social psychological research: Conceptual, strategic, and statistical considerations. Journal of personality and social psychology. 1986 Dec;51(6):1173.
23. Sobel ME. Asymptotic confidence intervals for indirect effects in structural equation models. Sociological methodology. 1982 Jan 1;13:290-312.
24. Collins NL, Read SJ. Adult attachment, working models, and relationship quality in dating couples. Journal of personality and social psychology. 1990 Apr;58(4):644.
25. Hamidi, F. A study on the relationship between attachment styles and marital satisfaction in married students of teacher training university. Journal of Family Research. 2007; 3(9). 44-453. [Persian].
26. Skowron EA, Friedlander ML. The Differentiation of Self Inventory: Development and initial validation. Journal of counseling psychology. 1998 Jul;45(3):235.
27. Skowron EA, Schmitt TA. Assessing interpersonal fusion: Reliability and validity of a new DSI fusion with others subscale. Journal of marital and family therapy. 2003 Apr;29(2):209-22.
28. Yousefi, N., Etemadi, O., Bahrami, F., fatehezadeh, M., Ahmadin A., & Beshlideh, K. Structural Relationships between Self - Differentiation and Subjective Wellbeing, Mental Health and Marital Quality. Iranian Journal of Psychiatry and Behavioral Sciences. 2009; 3(2), 4-14. [Persian].
29. Adams JM, Jones WH. The conceptualization of marital commitment: An integrative analysis. Journal of personality and social psychology. 1997 May;72(5):1177.
30. Karimian, N., Karimi, Y. Bahmani, B. The relationship of mental health dimensions and guilt feeling with marital commitment in married people. Journal of Family Counseling & Psychotherapy. 2011; 1(2), 243-256. [Persian].
31. Aslani, Kh., Abdollahi, A., Amanollahi A. The relationship between attachment style and marital commitment with the mediation of differentiation of self and feeling of guilt on female married students in Ahvaz. Journal of counseling research. 2017 Mar 10;16(61):191-220. [Persian].
32. Abdollahi, N. The relationship between attachment style and marital commitment with the mediation of differentiation of self and feeling of guilt on female married students in Ahvaz. Ph.D. Thesis. Shahid Chamran University. 2015. [Persian].

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-10-05]
[DOR: 20.1001.1.17352029.1398.17.4.15.4]
[DOI: 10.52547/rbs.17.4.705]

33. Toghroli Pour Grighani M, Mousavi Nasab SM, Rahmati A. Examination of a Causal Model of Family-of-Origin's Health, Attachment Styles, and Marital Commitment with the Mediating Role of Self-Differentiation. International Journal of Behavioral Sciences. 2018 Oct 22;12(3):91-5.

34. Rajabi, Gh., Jamali, A., Taghipour, M. The relationship between secure attachment style, self-differentiation (I- position) and marital satisfaction mediating couple optimism. journal of counseling research. 2016; 14(56):45-66. [Persain].

35. Noftle EE, Shaver PR. Attachment dimensions and the big five personality traits: Associations and comparative ability to predict relationship quality. Journal of research in personality. 2006 Apr 1;40(2):179-208.

36. Feeney JA, Noller P. Callan VJ. Attachment style, Communication, and satisfaction in the early years of marriage. In: Bartholomew KE, Perlman DE. (Eds.), Attachment processes in adulthood. 2010. (pp. 269-308). London: Jessica Kingsley Publishers.

37. Jakubiak BK, Feeney BC. A sense of security: Touch promotes state attachment security. Social Psychological and Personality Science. 2016 Sep;7(7):745-53.

38. Glade AC. Differentiation, marital satisfaction, and depressive symptoms: An application of Bowen theory. Ph.D. Thesis. The Ohio State University. 2005.

39. Rodríguez-González M, Skowron EA, Cagigal de Gregorio V, Muñoz San Roque I. Differentiation of self, mate selection, and marital adjustment: Validity of postulates of Bowen theory in a Spanish sample. The American Journal of Family Therapy. 2016 Jan 1;44(1):11-23.

40. Burri A, Schweitzer R, O'Brien J. Correlates of female sexual functioning: Adult attachment and differentiation of self. The journal of sexual medicine. 2014 Sep 1;11(9):2188-95.

41. Rabe PP. Self-differentiation, pride and commitment of university students. Doctoral dissertation. University of Pretoria. 2014.

42. Harrison MD. Partners' level of differentiation of self and perceived relationship quality in gay and lesbian couples. Ph.D. Thesis. Fielding Graduate Institute. 2003: 87-111.

43. Zarei, S., Hoseingholi, F. Predicting marital commitment based on self-aware affects and self-differentiation in married college students. Family consulting and Psycho Therapy Journal. 2013: 4(1), 114-132.[Persian].

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-10-05]

[DOR: 20.1001.1.17352029.1398.17.4.15.4]

[DOI: 10.52547/rbs.17.4.705]

The Mediating Effect of Self-Differentiation on the Relationship between Attachment Styles and Marital Commitment

Atena Ehsannia Rami[1], **Hasan Heidari**[2], **Mehdi Zare Bahramababdi**[3], **Hosein Davodi**[4]

Original Article

Abstract

Aim and Background: Recognizing and examining the factors that contribute to the consolidation of marriage and the social institution of the family can be a useful step towards promoting the culture of society. Therefore, the purpose of this study was to investigate the model of marital commitment based on attachment styles mediated by self-differentiation.

Methods and Materials: In a correlational study, among the married students of Islamic Azad University, Science and Research Branch of Tehran in 2017, using the available sampling method, 400 persons (200 women) were selected. They participated in the study, completed the Revised Adult Attachment Scale (RAAS), Differentiation of Self Inventory-Revised (DSIR), and Marital Commitment Questionnaire (MCQ). Data were analyzed through multiple regression in two stages in a, and b paths and c path.

Findings: Results showed that safe and anxiety attachment styles significantly explain the variance of self-differentiation. Also, safe and anxiety attachment styles significantly explain the variance of marital commitment. Finally, self-differentiation can significantly explain the variance of marital commitment. The results show that self-differentiation has mediator role in relationship between safe and anxiety attachment styles with marital commitment.

Conclusion: The results showed that since marriage and marital relationship are one of the important decisions in adulthood, focusing on attachment styles in adults can be supplemented with pre-marital education on marital commitment and continuity of relationships in couples.

Keywords: Attachment style, marital commitment, Self-differentiation.

Citation: Ehsannia Rami A, Heidari H, Zare Bahramabadi M, Davodi H. **The Mediating Effect of Self-Differentiation on the Relationship between Attachment Styles and Marital Commitment.** J Res Behav Sci 2020; 17(4): 705-714.

1- PhD Student, Counseling Department, Faculty of Humanities, Khomein Branch, Islamic Azad University, Khomein, Iran.
2- Associate Professor, Counseling Department, Faculty of Humanities, Khomein Branch, Islamic Azad University, Khomein, Iran.
3- Associate Professor, Research Institute for Research and Development in Humanities, SAMT Organization.
4- Associate Professor, Counseling Department, Faculty of Humanities, Khomein Branch, Islamic Azad University, Khomein, Iran.
Corresponding Author: Hasan Heidari , Email: heidarihassan@yahoo.com

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-10-05]

[DOR: 20.1001.1.17352029.1398.17.4.15.4]

[DOI: 10.52547/rbs.17.4.705]